

روش های یاد دهی خدا باوری نهاد خانواده به کودکان

فاضل جلائی نوبری^۱، حسین جلائی نوبری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی-تجارت الکترونیک، دانشگاه مهر البرز تهران

^۲ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهشهای بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور (نویسنده مسئول)

چکیده

با نگاهی حکیمانه به عالم هستی و انسان‌ها درمی‌یابیم، این آفرینش هدف‌دار بوده و هدفی جز رسیدن به کمال را دنبال نمی‌کند. لذا چون خداوند متعال کمال مطلق است، پس هدف از آفرینش عالم امکان و انسان‌ها و تمام موجودات خود خداست. با این توضیح لازم می‌آید شناختی کافی و وافی در مورد مبدأ و مقصد عالم امکان به کودکان آموزش داده شود؛ چرا که تنها راه سعادت بشری ایمان به خداست ایمانی که مقدمه‌اش معرفت الی الله است. انسانی که فطرتاً خداجو و حقیقت‌جوست، اگر بر مبنای شیوه های آموزشی مناسب، حس و گرایش خداجویانه اش تقویت شود، قدم در راه شناخت خداوند خواهد گذاشت. کسانی که خواهان آموزش خداشناسی به فرزندان خود هستند، ناگزیر باید با راه‌های شناخت خداوند آشنایی داشته باشند؛ همچنین آشنایی اجمالی با ویژگی‌های روانی کودک، می‌تواند برای اولیا و مربیان راهگشا باشد. زیرا که استحکام پایه‌های اصلی زندگی به دوران کودکی و چگونگی گذران کودکی بستگی دارد. بنابراین آگاهی از ویژگی‌های روانی، شناختی و... کودک برای نیل به یک آموزش پویا و موفق، امری ضروری است. کودک در دوره‌ی دوم کودکی، بیش از آنکه به مفاهیم ذهنی اهمیت دهد، مسائل عینی را قبول دارد. لذا به جهت عدم انتزاع باید به دو شیوه‌ی مستقیم (بازی، داستان، شعر، نمایش، مثال و ...) و غیرمستقیم (روش‌های رفتاری والدین: الگوسازی، معاشرت بر محور الله و...)، بر مبنای شیوه‌های اساسی شناخت خداوند، برای آموزش یاری جست.

واژه‌های کلیدی: روش، آموزش، خدا باور، کودکان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل حفظ آرامش در محیط خانه و جامعه، احساس حضور خداوند در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌هاست؛ و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با شناخت درستی که انسان از خداوند متعال پیدا می‌کند. حاضر و ناظر دانستن خدا، آدمی را از ارتکاب به گناه بازمی‌دارد و آرامش حقیقی را به ارمغان می‌آورد. پس برای اینکه انسان توفیق زندگی مملو از آرامش را داشته باشد، بایستی به خداوند متعال شناخت پیدا کند؛ و در اثر این شناخت، خدا را در همه‌جا حاضر یافته، معصیت نکند؛ در این صورت است که آرامش حاصل می‌آید.

از آن جایی که توحید و خداشناسی یکی از نیازهای واقعی و بنیادی انسان است و ریشه در اعماق جان و فطرت او دارد؛ اسلام آن را به منزله‌ی یک برنامه جامع تربیتی برای پرورش و تکامل روح و روان انسان، در قالب راه‌ها و شیوه‌هایی برنامه‌ریزی کرده است؛ ولی عدم آگاهی برخی از والدین و مربیان به این واقعیت، سبب شده است تا نیل به مقصود حاصل نشود؛ بدین ترتیب بررسی شیوه‌های آموزش توحید و خداشناسی به کودکان (دوره دوم) هدف نوشته حاضر قرار گرفته است. پیرامون همین موضوع بررسی‌هایی حول مقالات و کتاب‌های ذیل بوجود آمد: «راهکارها و شیوه‌های خداشناسی کودکان از نگاه قرآن و حدیث» نوشته‌ی حسین جماعتی، «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان» به قلم علی مقدسی پور، «راه‌های تعلیم خداشناسی به کودکان در شعر کودک» به همت حجت‌الله امید علی و علی اسکندری و همچنین «خداشناسی قرآنی کودکان» نوشته‌ی غلامرضا حیدری ابهری...طبق بررسی‌های انجام شده، با توجه به ویژگی‌های کودکان دوره دوم، شیوه‌های کاربردی و لازم برای آموزش خداشناسی به کودکان در این دوره، به همراه تحلیل ویژگی‌های خاص این دوره، به صورت منسجم در آثار یاد شده نیامده است؛ لذا با وجود این خلأ، پرسش اصلی که مطرح می‌شود این است که شیوه‌های آموزش خداشناسی به کودکان در دوره دوم کدامند؟ برای پاسخ به این سوال، در این مقاله پس از پرداختن به ویژگی‌های کودکان دوره دوم، به معرفی و تحلیل شیوه‌های غیرمستقیم (الگوسازی و معاشرت بر محور الله) بر مبنای شیوه‌های اساسی شناخت خداوند (معرفی پدیده‌های طبیعی، یادآوری نعمت‌های خداوند، آموزش نماز و دعا و ستایش خداوند و محبوب خدا بودن) و سپس به شیوه‌های غیرمستقیم آموزش خداشناسی به کودکان (بازی، داستان، شعر، ایفای نقش و نمایش و استفاده از مثال) با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، پرداخته شده است. در پایان، به نکاتی که حین پاسخ‌گویی به سوالات خداشناسانه‌ی کودکان، باید رعایت شود، اشاره شده است.

مفاهیم

شیوه در کتاب‌های فارسی معانی گوناگونی دارد: نظیر: طرز، روش، طریقه، اسلوب، سبک. (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده شیوه) در اصطلاح به معنای «راه انجام هر کاری» است. از این رو شیوه و روش تدریس نیز عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس هست. (صفوی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۸) مقصود از شیوه در این بحث، عبارت از سازوکارها و شیوه‌های ایجاد و یا دگرگون‌سازی رفتار و ویژگی‌های کودک است.

آموزش در کتاب‌های فارسی به معنی یاد دادن، تعلیم و آموختن تعریف شده است. (معین، ۱۳۸۸، ص ۶۳) در اصطلاح، برای آموزش تعریف‌های متعددی شده است، از جمله، راغب در مفردات می‌نویسد: «التَّعْلِيمُ اخْتِصَّ بِمَا يَكُونُ بِتَكَرُّرٍ وَ تَكْثِيرٍ حَتَّى يَحْصُلَ مِنْهُ أَثَرٌ فِي نَفْسِ الْمُتَعَلِّمِ» (راغب، ۱۴۱۶، ص ۵۸۰) آموزش آن است که با تمرین و تکرار زیاد، از آن اثری در ذهن و نفس دانش‌آموز پدید آید. از نگاه برخی، «آموزش به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران است. به‌طوری‌که این معلومات و مهارت‌ها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند.» (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۶، ص ۲۸) و

از نگاه برخی دیگر، «آموزش بر این دلالت دارد که کسی (معلم یا مربی) کار می‌کند تا دیگری امری را واجد شود؛ به این معنی آموزش برای آن است که دانش‌آموز واجد علم و آگاهی گردد.» (کاروان و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۳۳۶) بنابراین آموزش به عنوان وسیله و زمینه ساز پرورش است که بیش تر در بعد شناختی و ذهنی مطرح می‌باشد.

خداشناسی در نزد اهل لغت به معنای «شناخت خدا» است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده خداشناسی) و در معنای کنایی، کنایه از تدین و دین‌داری است.

و در اصطلاح، به دست آوردن معرفت و شناخت به خداوند متعال همراه با جمیع اوصاف او است.

۱- شناخت ویژگی های کودکان دوره دوم

شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، کاستی ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می‌آید. در آموزش به کودکان دو دوره کلی وجود دارد: سنین ۵ تا ۹ سال و سنین ۹ تا ۱۳ سال؛ در این مقاله چون بحث در مورد آموزش به کودکان دوره دوم می‌باشد، لذا از بیان ویژگی های دوره اول می‌گذریم؛ و اما ویژگی های دوره دوم؛ کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می‌شود که پیازه آن را مرحله ی «عملیات عینی» نامیده است. در این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می‌شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است. (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۶۱۴)

به اعتقاد پیازه، کودکان در این دوره از نظر احساسات و عواطف بیش تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره، هر چند از سرعت رشد بدنی کاسته می‌شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می‌یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیش تری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می‌باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن ها در ذهن کودک ثابت می‌ماند و او چنین تشخیص می‌دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده اند.

موریس دبس نیز درباره رشد و تحول عقلی کودک در این دوره می‌گوید: «در این دوره، فکر هیأت جدیدی به خود می‌گیرد. فکر مرکب از مناسبات، جانشین فکر در هم آمیخته دوره پیشین می‌گردد و کودک به مدد آن از جهان خارجی تعبیری می‌کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیک تر است... بر اثر رشد و اثرگذاری های محیط تربیتی، فکر کودک حول چند مفهوم اساسی، یعنی مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می‌سازند، سازمان می‌یابد.» (دبس، ۱۳۷۴، ص ۶۶)

یکی از اساسی ترین ویژگی ها که می‌تواند در آموزش مفاهیم دینی و از همه مهم تر مفهوم خداشناسی به ما کمک کند وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می‌رسد. کودک فطرتی خدا آشنا دارد؛ و تعلیم و تربیت در اصل عهده دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش های فطری است و معلّم و مربّی پرورش دهنده آن هاست. در این زمینه، به فرمایش پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلّم) اشاره می‌

نماییم که فرمودند: «كُلُّ مولودٍ يولدُ على الفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونُ أبَواهُ يَهُودَانَهُ وَ يَنْصَرَانَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۱) هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می سازند.

پس لازم می آید با شناخت ویژگی های دوره دوم کودکی و با توجه به فطرت پاک کودکان، روش هایی مناسب را در تقویت این گرایش های فطری، به کار گیریم.

۲- روش های آموزش خدانشناسی به کودکان

مقصود از روش های آموزش خدانشناسی به کودکان، فنون و شیوه ها و دستورالعمل های جزئی است که اهداف آموزش خدانشناسی را به ثمر می رساند و به آن عینیت می بخشد؛ در واقع، بخش کاربردی فرآیند آموزش خدانشناسی، شیوه ها و روش های آن است؛ به عبارتی، مهم ترین و دشوارترین مرحله از فرآیند آموزش، تعیین و تشخیص روش های آموزش خدانشناسی و استفاده و به کارگیری صحیح و مناسب آن، به ویژه برای کودکان می باشد. از این رو، در این بخش، با توجه به ویژگی های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان دوره دوم، به بررسی این روش ها خواهیم پرداخت.

۱-۲. روش هایی که کودک به طور مستقیم در آن نقش ندارد

همان گونه که قبلاً گفته شد، خداوند حس خداجویی را فطرتاً در نهاد آدمی به ودیعه نهاده است. پس اگر این امانت در سایه روش هایی صحیح پرورش یابد، تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی کودک خواهد بود. در غیر این صورت نهال وجود کودک آسیب خواهد دید و دنیا و آخرتش تباه خواهد شد. نخستین تجربه های یادگیری آدمی از طریق حواس از دوران جنینی است. پس از تولد نیز کودک با حواس خود با محیط پیرامون ارتباط برقرار می کند و تجارب حسی اش تکامل می یابد. در مرحله بعدی به محرک های حسی معنی می بخشد. بعد وارد مرحله تصور شده و از محسوسات صورت ذهنی می سازد و سپس از صورت های ذهنی مفاهیم را می سازد. در آخرین مرحله از رشد ذهنی نیز قدرت تفسیر و تجزیه و تحلیل و ارزشیابی امور را می یابد. هر انسان در هر مقطع سنی میزان شناخت و آگاهی خاصی نسبت به امور دارد و تفکر و ادراکش همراه با تغییر رشد وسعت می یابد؛ لذا درک شناختی که کودکان از خداوند دارند نیز با تحول سنی شناختی کودکان رابطه مستقیم داشته و در هر دوره متناسب با خصوصیات ذهنی و روانی و شناختی فرزندان باید شیوه و آموزش های خاص آن دوره را ارائه دهیم و اجازه دهیم که کودکان خدانشناسی کودکان خود را داشته باشند. پس در این قسمت، شیوه های آموزش خدانشناسی کودکان را با توجه به ویژگی های روانی و ویژگی های رشد در هر مرحله بررسی می کنیم. زیرا اگر روش آموزش متناسب با سطح شناخت و میزان درک کودک نباشد چه بسا سبب عدم تمایل کودک به این مسئله شود. پس روش های آموزش رابطه ای تنگاتنگ با میزان درک و شناخت کودک دارد.

روش های آموزش به دو بخش سمعی و بصری تقسیم می شوند. در واقع آموزش ها اکثراً از این طریق اتفاق می افتند و ربطی هم به سن و سال ندارند و روش بصری تأثیرگذاری اش بیشتر است. در واقع در روش بصری، کودک با نظاره رفتار اطرافیان به طور غیرمستقیم آموزش می بیند. هر چند هدف اطرافیان از بروز برخی رفتارها آموزش نباشد، با این حال این آموزش اتفاق

می‌افتد. بنابراین به جهت تأثیرپذیری بالای کودکان در سنین کودکی و تأثیرگذاری روش‌های بصری به میزان بالا، در اینجا به بررسی روش‌های رفتاری والدین، که یکی از شیوه‌های آموزش است، می‌پردازیم:

۱-۲-۱. الگوسازی

والدین و رهبران اجتماعی نخستین وظیفه‌ای که بر عهده دارند، ایجاد دیواری از تقواست تا خانواده از آتش خشم اهی در امان ماند؛ این دیوار با تعلیم و تربیت ایجاد می‌شود. والدین بایستی افزون بر حفظ خود از آتش، اهل و خانواده ایمانی را نیز حفظ کنند. در آیات و روایات، روش‌های متعدد تربیتی ذکر شده که یکی از آنها روش عملی الگوسازی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید؛ در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) در شرح این آیه آمده است: وقتی این آیه نازل شد، مردم به رسول خدا عرض کردند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَ أَهْلِينَا؟ قَالَ اِعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكُرُوا بِهٖ اَهْلِيكُمْ فَأَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۰۸) ای رسول الله! چگونه خود و خانواده‌هایمان را حفظ کنیم؟ فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و بر پایه فرمانبرداری از خدا پرورششان دهید؛ با دقت در این روایت متوجه می‌شویم که حضرت اعمولوا را بر اذکروا مقدم داشته است و شیوه رفتاری را اولویت می‌بخشد. بنابراین والدین بایستی ابتدا خود اهل عمل به کارهای نیک باشند، بعد فرزندان را به انجام آن امر نمایند. این روش تا آنجا تأثیرگذار است که خداوند برای تربیت بشر الگو می‌دهد و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) مسلماً برای شما در (سیره ی) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، الگو و سرمشقی نیکوست. هنگامی که کودک مشاهده می‌کند پدر و مادر در لحظه‌لحظه‌ی زندگی‌شان به یاد خدا هستند و همچنین یادآور نعمت‌های فراوان خداوند هستند، شناخت اجمالی به خداوند متعال پیدا می‌کنند و تقلید اولین گام در یادگیری است. کودک با نظاره بر رفتار والدین می‌آموزد و ترغیب می‌شود به شیوه‌ی صحیح‌خدا‌ی خود را بشناسد. کودک خدا را در سیمای پدر و مادر می‌بیند. او تنها از گذر تجربه‌ی ارتباط با والدین است که می‌تواند دریابد، خداوند متعال بی‌حد و اندازه بخشنده و مهربان است. بنابراین بایستی به رفتارهای خود بسیار دقت کنیم و بدانیم کودک که در حال بزرگ‌تر شدن است، یادگیری‌های او از راه دیدن به شنیدن تبدیل می‌شود. لذا زمانی که می‌بیند مادر در شرایط سخت، جملات توکل بر خدا، و امثال آن را به کار می‌برد، میزان یادگیری‌اش بالا می‌رود و مشاهده می‌کند عملاً والدین در شرایط سخت و در تمامی لحظات به خداوند سبحان پناه می‌برند. (گريوانی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰-۲۰۵)

۲-۱-۲. معاشرت بر محور الله

مهم‌ترین و استوارترین پیوندها، پیوند قلبی است. رابطه‌ای که بر این محور باشد کاربرد دارد. قوی‌ترین پیوندها که بر محور محبت است، اگر محوریت الهی نداشته باشد، تبدیل به دشمنی می‌شود. در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف، ۶۴) دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران؛ امام صادق (علیه‌السلام) هم در تأکید معاشرتی که بر محوریت الهی باشد اینگونه می‌فرماید: «الْأَكْلُ خَلَّةٌ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (قمی، ج ۲، ص ۲۸۷ و مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۷) هان هر دوستی که در دنیا در راه خدا نباشد، روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌گردد؛ پس به همین خاطر است که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «كُنْ بِالْوَاحِدَةِ أَنْسَ مِنْكَ بِقُرْنَائِي»

السوء» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۳۹) با تنهایی بیشتر همدم باش تا با یاران بد؛ حضرت در این روایت از رفاقتی که اثر سوء دارند، و تغییرات منفی ایجاد می‌کنند نهدی می‌کند و همچنین در قرآن نیز از رفاقت‌هایی در بعد اعتقادی انسان اثر سوء دارند نهدی شده است. بنابراین والدین در معاشرت‌ها و رفت‌وآمدها به‌طور کامل باید دقت داشته باشند، حتی در مورد کودکانی که با فرزندانشان ارتباط می‌گیرند، بایستی حساسیت خرج بدهند. کوتاه سخن آنکه رفتارها و برخوردهای والدین در زندگی کودک و آموزش خدانشناسی کودک نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

۲-۲. شیوه‌های اساسی شناخت خداوند

قبل از پرداختن به روش‌های مستقیم، یادآوری این نکته لازم می‌آید که مفاهیم و شیوه‌های اساسی هستند که کمک شایانی به شناخت خداوند می‌کنند، که به شرح زیر هستند:

۱-۲-۲. معرفی پدیده‌های طبیعی

در رویکرد عرفانی، یکی از راه‌های اساسی شناخت خدا، درک تجلی خداوند در پدیده‌های عالم است؛ به این معنا که خلق عین حق است و خالق و مخلوق از هم جدا نیستند. این مفاهیم باید به زبان کودکان بیان شوند تا کودک را به تفکر وادارند؛ زیرا که در تعلیم و تربیت اسلامی آنچه می‌تواند انسان را از هر جهت رشد و تعالی دهد، تفکر است. با تفکر می‌توان به اصلاح و تربیت نفس پرداخت. در واقع تفکر شرط ضروری بهره‌مندی از اختیار و تصمیم‌گیری است و تصمیم‌گیری وقتی میسر می‌شود که انسان قبل از آن به‌درستی به تفکر پرداخته باشد، این امر در تربیت کودکان بسیار مهم است. جهان آفرینش، کتاب آیات الهی و هر کدام از پدیده‌ها حروفی و کلمه‌ای از آن و مجموعه‌ای از شگفتی‌ها هستند که راز آفرینش انسان، آسمان و زمین، شب و روز، ماه و خورشید، آب و باد و باران، کوه‌ها و... را در خود دارند. اندکی تأمل و تفکر در زیبایی‌های طبیعت، ابزاری کارآمد است که می‌تواند ذهن پرسشگر حقیقت‌جو را به تفکر وادارد و به سرمنشأ هستی رهنمون کند. قرآن کریم نیز انسان‌ها را همواره به تدبر و تفکر در نشانه‌های هستی دعوت کرده و هدف اصلی آن، رساندن انسان به حقیقتی بزرگ یعنی شناخت خداوند متعال است؛ بنابراین، چون بهترین زمان آموزش، دوران کودکی است و اعتقاد به خدا، به زندگی او جهت می‌دهد، لذا لازم می‌آید مربیان و شاعران و داستان‌نویسان کودک، با لحنی کودکانه و متناسب با درک ذهنی کودک به معرفی پدیده‌های طبیعی بپردازند.

۲-۲-۲. یادآوری و معرفی نعمت‌های خداوند

در تربیت دینی، یکی از اهداف بعد عاطفی، ایجاد محبت و عشق به خداوند است. (ابوطالبی، ۱۳۸۸، ص ۷۷) یادآوری نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده است، این حس را در آدمی بوجود می‌آورد که باری تعالی لطف و رحمت و محبت خود را شامل حال انسان‌ها کرده است. پس یک وظیفه مربی در تربیت دینی این است که به متری بیاموزد که به‌سادگی و با چشمان بسته از کنار تجربه‌ها و موقعیت‌های خویش نگذرد؛ بلکه با دقت و تأمل خاص آن‌ها را مورد توجه قرار دهد. معرفی و شناخت نعمت‌های خداوند به کودکان تأثیر فراوانی در تربیت دینی آن‌ها دارد. خداوند متعال نعمت‌های پنهان و آشکار و مادی و معنوی بی‌شماری را در جهان هستی برای انسان موهبت نموده است؛ به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است؛ و قرآن کریم هم آشکارا به این موضوع اشاره دارد؛ نعمت‌های الهی در قرآن بر دو گونه اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ

باطنَةً» (لقمان، ۲۰)؛ نعمت های آشکار و پنهان خود را بر شما ارزانی داشته است. در احادیثی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است، نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو و توحید و نبوت و اسلام، و نعمت باطنی را ولایت و مودت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته اند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۴۷) همچنین یادآوری و تکرار نعمت های الهی یکی از شیوه های مؤثر تربیت قرآنی است و در قرآن به آن اشاره شده است: «یا آیها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض لا إله إلا هو فأتی توفکون» (فاطر، ۳) ای مردم به یاد آورید نعمت های خدا را بر شما؛ آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می شوید. این تکرار و تأکید برای به یاد داشتن نعمت ها جهت تدبیر و آگاهی انسان و اینکه آفرینش انسان بیهوده نیست، بلکه برای هدفی والاست که آغاز آن شناخت طبیعت، خود و انجام آن شناخت خداوند همراه با آرامش و باور قلبی است. پس مربی کودک با الهام از این شیوه، انواع نعمت های الهی را با زبان و تصویرهایی متناسب با کودکان نشان می دهند تا کودک ضمن شناخت خداوند، سپاس گزار و ستایش کننده خالق خود باشد و ضمن شکرگزاری، عشق و محبت عمیق الهی را در دل خود جای دهد.

از این رو، در دوره دوم کودکی، با توجه به تمایلات فطری و گرایش های ذاتی پاک و دست نخورده کودکان بهتر می توان از روش یادآوری نعمت های الهی در آموزش و تعمیق بینش الهی آنان استفاده کرد. این روش کمک می کند تا کودک بتواند ولی نعمت خود را بشناسد و وظایف خود را از قبیل شکرگزاری و ایمان به او، ایفا کند. بر این اساس، در تدریس و آموزش خدانشناسی و معاد به کودکان، باید بیشتر بر محبت و عشق الهی به همه انسان ها و به ویژه نیکوکاران و دادن پاداش و نعمت های بهشتی به آنان در روز قیامت تأکید کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او امیدوار و علاقمند ساخت.

۳-۲-۲. آموزش نماز و دعا و ستایش خداوند

یکی از ابعاد مهم تربیت دینی در دوره ی کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ی ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی است. تربیت عبادی کودکان اهمیت ویژه ای در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. در مرحله اول، فرد باید خود به رفتارهای عبادی اهتمام بورزد تا الگویی مناسب برای سایر اعضا باشد. در متون دینی تأکید بر سفارش نماز به فرزندان در سن هفت سالگی شده است: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ مَا أَطَاقُوا إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۰۹)؛ اما هنگامی که کودکانمان هفت ساله می شوند به اندازه ای که طاقت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می دهیم. بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادت ها از خود سستی نشان می دهند، بی اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند، بلکه عواملی چون بی توجهی یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادت ها در کودکی و ناآگاهی آنها از فلسفه و اهمیت آنها در این زمینه نقش دارد. موضوع دعا همواره مورد توجه مربیان دینی و حوزه های گوناگون دانش بشری، به ویژه روان شناسی بوده است که در ارتباط با بهداشت و سلامت روان و ایجاد آرامش در افراد بسیار مؤثر بوده است. قرآن نیز بارها و بارها انسان را به عبادت و راز و نیاز با خداوند فراخوانده است. همچنین در مسیر تربیت اسلامی و تربیت افزون بر توجه به یاد خدا و برپایی نماز، آموزش ارتباط با خداوند به ویژه در قالب دعا و قرائت قرآن بسیار مؤثر است. برای ترویج و آموزش دعا به ویژه درک صحیح از اجابت دعا آموزش های لازم در قالب کتاب، فیلم، تک نگاره ... به کودکان بسیار مؤثر است و از این طریق روح امید به فضل الهی و رسیدن

به کرامت نفسانی در زندگی دمیده می‌شود. (اسکندری، تربیت اسلامی سال سیزدهم بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۲۶، ص ۱۵-۵)

بر این اساس در راستای معنوی سازی زندگی روزمره خود می‌توان اوقات ثابتی را به عبادت خانوادگی اختصاص داد که این نیز روشی کاربردی برای آموزش مفهوم نماز و دعا و ستایش خداوند به کودکان می‌باشد. عبادت یا فعالیت معنوی دسته جمعی اعضای یک خانواده، تأثیر پایداری در رشد معنوی کودکان دارد.

۴-۲-۲. محبوب خدا بودن

اساس خلقت جهان هستی، حبّ و عشق ذات حضرت حق است و همه موجودات جهان، محبوب خداوند متعال می‌باشند؛ در حدیثی قدسی است که خداوند متعال فرمودند: «لَوْ عَلِمَ الْمُدْبِرُونَ كَيْفَ اشْتِيَاقِي بِهِمْ لَمَاتُوا شَوْقًا» (بهارى، ۱۳۶۱، ص ۱۳۴)؛ اگر آنان که از من روی گردانیده اند می‌دانستند میزان اشتیاق و محبت مرا به خودشان، از فرط اشتیاق، جان می‌باختند.

کودک وقتی بداند که موردعلاقه خداوند است و هدایای فراوانی از سوی خداوند مانند پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ و... به او داده شده است، ارتباط بهتری با او برقرار کرده، زمینه اولیه شناخت بهتر خداوند در او شکل می‌گیرد. ضروری است که این تصور در ذهن کودک استقرار یابد که خدا او را دوست دارد و می‌خواهد او فردی شایسته و خوشبخت گردد، او دوست‌داشتنی، مهربان و صمیمی‌تر از پدر و مادر است.

۳-۲. روش‌هایی که کودک به‌طور مستقیم در آن نقش دارد

پس از بررسی رفتار والدین، و پرداختن به مفاهیم و شیوه‌های اساسی، نوبت به بررسی روش‌هایی می‌رسد که خود کودک به‌طور مستقیم در آن‌ها درگیر هست؛ یعنی روش‌هایی که به‌منزله‌ی قالب‌هایی برای مفاهیم و شیوه‌های اساسی یادشده هستند. این روش‌ها به شرح زیر است، که ما تنها به شرح برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

بازی، داستان، قصه و تصویرخوانی، اسباب‌بازی، شعر و لالایی، روش تشویق و ایجاد خاطره خوش، فضا سازی، ایفای نقش و نمایش.

۱-۳-۲. بازی

علامه طباطبایی می‌فرماید: «بازی کار یا کارهایی است که هدفی خیالی دارد و از نظم نسقی خیالی برخوردار است، مانند بازی‌های کودکان. و زندگی این دنیا به این جهت بازی است که همچون بازی کودکان سریع‌البطلان است؛ زیرا کودکان با شور و ولع ساعتی برای بازی اجتماع می‌کنند و به سرعت متفرق می‌شوند. اسلام به بازی به‌عنوان وسیله می‌نگرد نه هدف و آن را وسیله ارضای خواسته‌های کودک و فعلیت یافتن تمایلات آن معرفی می‌کند.» (خدایی خیابوی، ۱۳۸۰، ص ۴۳) همانطور که در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد هم نشینی با کودکان و خود را همسان آنان پنداشتن و با آن‌ها سرگرم بازی شدن، اینگونه سفارش شده است: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَبَّ لَهُ» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۰۳)؛ کسی که نزد او کودکی است، باید کودکانه رفتار کند. وسیله‌ای برای سازندگی و آموزش،

ارضاء حس کنجکاو، تفکر و در نهایت وسیله‌ای برای تأمین نیازهای روحی کودک. پس اگر از بازی به‌عنوان وسیله آموزش استفاده شود به تمایلات کودک هم باید توجه شود. همچنین در طی آموزش به ویژگی‌های بازی باید توجه شود، از جمله:

برانگیخته شدن از درون، انتخاب آزادانه، لذت‌بخش بودن و شرکت فعال بازیکنان در بازی و...

هدف مهم و وظیفه اصلی والدین تربیت و شکوفاسازی استعدادها در راستای صراط مستقیم الهی است. بازی نیز از این مقوله است. قواعد و مقررات بازی‌ها کودک را با قوانین و اصول اخلاقی آشنا می‌سازد. (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۲۷) و از همه مهم‌تر کودک از طریق بازی می‌تواند به خداوند متعال شناخت پیدا کند.

برای اینکه بازی دارای اثرات آموزشی بوده و این اثرات ماندگار باشد باید چند مسئله را رعایت کرد: مشارکت والدین در بازی، بچه شدن والدین در هنگام بازی، فعال و همراه با حرکت بودن، بدون ترس و دغدغه و همراه محبت، تنوع در بازی، انتخابی بودن بازی نه تحمیلی، زمینه‌ساز خلاقیت، قابلیت همکاری با دیگران، نتیجه‌بخش بودن، بازی در بیرون و درون خانه، زیاد شدن تجربه، رقابتی بودن.

۲-۳-۲. داستان

نقل داستان از جمله روش‌های سمعی آموزش به کودکان است. کودکان الفتی شیرین و باور نکردنی با داستان دارند. برخی از مشکلات بزرگ رفتاری کودکان را می‌توان با طرح داستان تغییر داد یا آمادگی ذهنی تغییر را در آن‌ها بوجود آورد؛ همچنین در معرفی خدا به کودکان نیز زمینه استفاده از روش داستان گویی بسیار مهیاست. سوره‌های مختلف قرآن، سیره و روش زندگی پیشوایان دینی، منش انسان‌های بزرگی که با تکیه بر قدرت خداوند توانسته‌اند کارهای بسیار مهمی در زندگی خود داشته باشند، می‌توانند در خدمت خدانشناسی کودکان قرار گیرند. قرآن کریم هم مطالب و سرگذشت‌های عبرت‌آموز بسیاری را در قالب داستان نقل می‌کند. شیوه‌ای که عملاً در قرآن استعمال شده است؛ مثلاً در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی (علیهما السلام)، حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می‌شود؛ در داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام)، اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیز کیفیت معاد بیان می‌شود. داستان سفری است آسان و کم‌هزینه که برای مسافر خود تجربه فراوان به ارمغان می‌آورد. در انتخاب داستان باید نهایت دقت را کرد و از نقل کودکانه و روان‌شناسانه استفاده کرد تا داستان بر دل‌وجان کودک نشست و تصویرسازی درست برای کودک اتفاق بیفتد. (گریوانی، ۱۳۹۱، ص ۷۵)

بنابراین والدین، معلمان و مربیان شناخت خداوند را در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی کودکان بیان کنند.

۲-۳-۳. شعر

شعر کودک کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون. شعر کودک بر پایه‌ی موسیقی اصوات و کلمات بنا شده و وسیله‌ای است برای بازی، حرکت و آواز کودک. کودکان اشعار کوتاه و آهنگین را دوست دارند و زود هم آن‌ها را فرامی‌گیرد و حتی در بازی‌های خود از شعر استفاده می‌کند. شعر لازم است؛ اولاً؛ گوینده اش از تعهد دینی برخوردار باشد؛ ثانیاً؛ شعر متضمن آگاهی‌های مورد نیاز کودک در زمینه اعتقادی، اخلاقی و عملی باشد؛ چنانکه امام علی (علیه السلام) بدان جهت بر آموختن شعر ابوطالب تأکید می‌کنن که این دو ویژگی یاد شده را داراست. (ری شهری،

۱۳۹۱، ص ۱۶۴-۱۶۳) لذا به‌عنوان یکی از وسایل آموزشی و تربیتی می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. اگر شعرخوانی برای کودک با بازی‌های انگشتی، نمایشی و سایر بازی‌ها همراه شود. علاوه از سمع، بصر نیز به آن افزوده شده و یادگیری دوام بیشتری خواهد داشت. (سعیدی، ۱۳۹۰، ص ۸۵-۶۳)

۴-۳-۲. ایفای نقش و نمایش

منظور از نمایش، مجسم کردن و به صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام‌ها و آموزه‌هاست. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌باشد و از راه آن می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به‌گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد؛ نمایشی کردن مفاهیم برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسی آنان، موجب می‌شود که این‌گونه مطالب بهتر درک شوند و یادگیری عمیق‌تری صورت پذیرد؛ معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کند. این روش در قرآن کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از نمونه‌های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات معاد در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان می‌باشد: «فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ ثَمَرَاتٍ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (اعراف، ۵۷)؛ آب از آن فرود آوردیم، با آن، همه‌گونه محصولات برآوردیم، مردگان را نیز همین‌گونه بیرون می‌آوریم، باشد که متذکر شوید.

علاوه بر تعالیم وحی، معصومان (علیهم السلام) نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن حقایق دینی از روش نمایشی استفاده نموده‌اند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در موارد متعددی، مانند آموزش نماز و... از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَسَلِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۵، ص ۲۷۶)؛ نماز بگزارید، آن‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم. همچنین، در حدیثی آمده است که روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از حضرت علی (علیه السلام) در مورد خدا سوالاتی پرسیدند؛ از جمله درباره‌ی معنی جمله «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی چطور ما به هر طرف رو کنیم، به طرف خدا هستیم؟ حضرت علی (علیه السلام) به ابن عباس دستور داد هیزمی آماده نموده و آتشی را برافروزند، آن‌گاه از آنان سوال کرد: «صورت آتش به کدام جهت است؟» گفتند: «ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌یابیم (چون پشت و رو ندارد)». آن‌گاه حضرت فرمود: «كَذَلِكَ رَبِّي أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی همان‌گونه که شعله پشت و رو ندارد و شما در هر طرف آن باشید رو به روی آن هستید، خدا نیز پشت و رو ندارد (دیلمی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷۵).

کودکان در سنین پایین‌تر تقلید می‌کنند. به‌ویژه نقش‌آنها را تقلید می‌کنند که برای آن‌ها مهم هستند و دوستشان دارند. در صورت عدم معرفی الگوهای مناسب برای کودکان آن‌ها از قهرمانان فیلم‌های سینمایی و کارتون‌ها و افراد غیرواقعی همانندسازی می‌کنند. (خدایی خیابوی، ۱۳۸۰، ص ۹۳)

بنابراین با توجه به ویژگی تقلید در دوران کودکی و همچنین تأثیر به‌سزای روش نمایشی باید به دنبال الگوهای مناسب در نمایش بود. و نیز در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، لازم است تا آن‌جا که امکان دارد مواد و مطالب آموزشی به صورت نمایشی ارائه گردد؛ زیرا با این روش مبانی اعتقادی آموزش پذیر است.

۵-۳-۲. استفاده از مثال

تمثیل‌های مناسب به وجود آورید. مثلاً می‌توانید خوبی را به روشنایی و بدی را به تاریکی تشبیه کنید چون کودکان شب را دوست ندارند. برای کودکان بزرگ‌تر، خدا را به نوری تشبیه کنید که بر همه چیز می‌تابد و آن‌ها را روشن می‌کند و همه جا حضور دارد. تمثیل باعث عینی و ملموس‌تر شدن مفهوم خدا برای فرزندتان خواهد شد. معانی و محتوای تمثیل‌ها را مورد تأکید قرار دهید. برای درک مفهوم حضور خدا در همه جا، نور، تمثیلی بسیار غنی است.

به دلیل حضور کودک در مرحله عملیات عینی می‌توان از سازوکارهای سلول‌های بدن در قالب داستان استفاده کرد تا بزرگی و عظمت خداوند برای کودکان تفهیم شود. ابتدا سلول‌های بدن را به آجرهای یک ساختمان یا سربازهای یک ارتش یا افراد یک جامعه تشبیه می‌کنیم و به هر یک نقش می‌دهیم و تأکید می‌کنیم که سلول‌ها همواره در حال فعالیت هستند که مثال عینی آن سلول‌های چشم است که به ما کمک می‌کنند محیط اطرافمان را ببینیم و شناسایی کنیم. حتی برخی از سلول‌ها مانند یک مهندس کار محاسبه انجام می‌دهند و برخی مانند یک شیمیدان ذرات شیمیایی می‌سازند. با سر هم کردن داستان‌هایی از این قبیل علاوه بر اینکه کودکان را به مطالعه علاقه‌مند می‌کنیم، سؤالاتی نیز در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد، مثلاً اینکه چگونه این سلول‌ها این کارها را انجام می‌دهند؟

کودکان با مطالعه و یا با پاسخ‌هایی که از بزرگ‌ترها می‌گیرند، متوجه می‌شوند که سلول‌ها این کار را با عقل خودشان انجام نمی‌دهند. حتی به صورت تصادفی و اتفاقی هم امکان‌پذیر نخواهد بود.

نکته‌ی مهم دیگری که شاید برای کودکان شگفت‌انگیز باشد، کوچکی بیش از حد این سلول‌های فعال است که باید زیر میکروسکوپ آن‌ها را مشاهده کرد.

در این مرحله باید به کودک تذکر داده شود که تمام این شگفتی‌های موجود در بدن آدمی نشانه‌ی لطف و مرحمت خداوند است. خداوندی که ما را آفریده، ما را دوست دارد و از ضعف و نیازهای ما آگاه است و تریلیون‌ها سلول که در بدن ما کار خود را کامل انجام می‌دهند، نتیجه‌ی طراحی درست و کامل خداوند است. (هارون، ۱۳۹۳، ص ۵۲)

۳- نکات قابل توجه حین پاسخ‌گویی به سؤالات خداشناسانه‌ی کودکان

کودکان در مراحل رشدی خود کم‌کم که با مسائل معنوی آشنا می‌شوند، سؤالاتی را مطرح می‌کنند که بزرگ‌ترها اغلب در پاسخ دادن به آنها مشکل پیدا می‌کنند. از این رو بهترین کار این است که با کودکان صادق و رو راست باشیم و از دادن پاسخ‌های غلط و گول‌زننده بپرهیزیم.

گاهی کودکان در شناخت خدا و آموزش مفاهیم خداشناختی از ما سبقت می‌گیرند قبل از اینکه بخواهیم مستقیماً چیزی را آموزش دهیم سؤالاتی را مطرح می‌کنند که لازم است جوابی صحیح و ساده و روشن داده شود. باید پاسخی داد که با نیازهای کنونی او در ارتباط باشد.

لذا لازم می‌آید، در پایان به نکاتی که حین پاسخ‌گویی به سؤالات خداشناسانه‌ی کودکان، باید رعایت شود، اشاره کنیم؛ مهم‌ترین این نکات به این ترتیب است: گوش سپردن هشیارانه به پرسش‌ها، درک دقیق پرسش، پاسخ نمی‌دانم، درنگ در پاسخ‌گویی، پاسخ نگفتن هنگام دل‌مشغولی، پاسخ‌گویی به زبان ساده و پس از اندیشه و مطالعه و... (حیدری ابهری، ۱۳۸۶، ص ۲۰-۱۴)

نتیجه‌گیری

موضوع شناخت از موضوعات اساسی است که همواره ذهن بشر را به خود معطوف داشته است. اینکه محتوای شناخت بایستی چه باشد و یا اینکه از چه راه‌هایی می‌توان به شناخت درست نائل شد و همچنین مطمئن‌ترین روش‌ها کدام است، از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری بوده و هست. آدمی با هر سطح فکری و در هر سن و سالی به مسئله مبدأ و مقصد جهان هستی می‌اندیشد، و می‌کوشد شناختی در مورد آفریننده‌ی خود بیابد. حال اگر این شناخت در سال‌های اولیه کودکی و نوجوانی با روش‌هایی مناسب که بر پایه‌ی ویژگی‌های روانی دوره کودکی بنا نهاده شده است، باشد کودک توانایی پذیرش بالایی می‌تواند داشته باشد. کودک به دنبال خدایی است که همه از او سخن می‌گویند و سؤالات فراوانی در مورد خداوند دارد. ارائه شناختی صحیح به کودکان در این دوره موجب ماندگاری شناخت و در نهایت تقویت ایمان و عقیده کودک می‌شود.

در این پژوهش ما به دنبال ارائه‌ی روش‌هایی برای آموزش خداشناسی به کودکان بر مبنای ویژگی و خصوصیات کودکی دوره دوم بودیم. با توجه به اینکه این دوره از کودکی، دوره عملیات عینی است کودک منطقی‌تر از دوره‌ی قبل است و به اصل تمرکز، طبقه‌بندی، کیفیت اشیاء، مقایسه و مرتب کردن اشیاء توجه می‌کند، می‌توان از روش‌هایی چون بازی، شعر، نقاشی، داستان، تلفیق روش‌های فوق استفاده کرده و ماندگاری بیشتر به آموزش بخشیده و آن را در نهاد کودک عمیق‌تر کرد. البته باید توجه داشت که روش‌های فوق که روش‌هایی مستقیم هستند، از لحاظ اهمیت در درجه دوم قرار دارند؛ زیرا روش‌های غیرمستقیم که عبارتند از: الگوسازی و معاشرت بر محور الله، بر مبنای شیوه‌های اساسی شناخت خداوند، تأثیر دو چندان در امر آموزش این مهم به کودکان دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابوطالبی، مهدی، ۱۳۸۸، تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم.

بهارى همدانى، محمد، ۱۳۶۱، تذکره المتقین، تهران، نور فاطمه.

بی ریا، ناصر و دیگران، ۱۳۷۵، روان شناسی رشد (۲)، تهران، سمت، چاپ اول.

تقی پورظهیر، علی، ۱۳۷۶، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران، انتشارات آگاه.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم و درر الکلم (مصحح سید مهدی رجایی)، قم، دارالکتب الاسلامی.

حرّعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

حیدری ابهری، غلامرضا، ۱۳۸۶، خدانشناسی قرآنی کودکان، بی جا، انتشارات جمال، چاپ پنجم.

خدایی خیابوی، سیامک، ۱۳۸۰، روان شناسی بازی، تبریز، احرار، چاپ اول.

خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۷۷، دانشنامه قرآن و قرآن شناسی، ج ۲، تهران، دوستان و ناهید.

دبس، موریس، ۱۳۷۴، مراحل تربیت (مترجم: علی محمد کاروان)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه.

دیلمی، حسن، ۱۳۷۵، ارشاد القلوب (پژوهش سید هاشم میلانی)، ج ۲، قم، داراأسوه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶، مفردات الفاظ قرآن (پژوهش صفوان عدنان)، دمشق، دارالقلم، چاپ اول.

سعیدی، سهراب، ۱۳۹۰، دنیای ادبیات کودک و نوجوان، قم، دارالتفسیر، چاپ اول.

شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۹، بازی کودک در اسلام، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم.

صفوی، امان الله، ۱۳۷۴، کلیات روش و فنون تدریس، تهران، انتشارات معاصر، چاپ پنجم.

طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الأوسط، قاهره، دارالحرمین.

علم الهدی، علی بن حسین، ۱۹۹۸م، أمالی المرتضی (محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل)، قاهره، دارالفکر العربی، چاپ اول.

قمی، عباس، ۱۴۱۴، سفینه البحار، قم، اسوه، چاپ اول.

کاروان، علی محمد، ۱۳۷۲، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت.

گریوانی، مسلم، ۱۳۹۱، خدایی که در این نزدیکی است، مشهد، ضریح آفتاب، چاپ پنجم.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۱، حکمت نامه کودک، قم، دارالحديث، چاپ چهارم.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، چاپ یازدهم.

معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم.

هارون، یحیی، ۱۳۹۳، دنیای شگفت انگیز بدن ما (مترجم: علیرضا عیاری)، بی جا، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان، چاپ سوم.

مقالات

امیدعلی، حجت‌اله-اسکندری، علی، «راه‌های تعلیم خداشناسی به کودکان در شعر کودک» تربیت اسلامی سال سیزدهم بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۲۶

خانی، الناز، پایان‌نامه‌ی «شیوه‌های آموزش باورهای دینی به کودکان (تا هفت سال)»، مدرسه‌ی علمیه صادقیه تبریز، مهرماه ۱۳۹۴، ش.

نرم افزار

نرم افزار لغت نامه دهخدا.

